

پژوهشنامه حقوق کیفری

سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

صفحات ۸۵-۱۰۹

بررسی کیفر شناختی مقررات حمورابی، عبرانی و وندیداد

دکتر حسین حیدری

استادیار گروه ادیان و فلسفه دانشگاه کاشان

جنت خاکسار آرانی ✉

دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشگاه کاشان

چکیده:

وندیداد یکی از بخش‌های پسین اوستای نو است که درباره انتساب آن به زمان زرتشت پژوهندگان، همدستان نیستند. حمورابی، در حدود ۱۸۵۰ قبل از میلاد در بین‌النهرین به حکومت رسید. دستورهای وی، یکی از قدیمی‌ترین قانون‌نامه‌های جهان است و در شمار صد واقعه عظیمی است که جهان را متحول ساخته است. دین یهودیت از آن جهت که در هزاره دوم پیش از میلاد، دین را مبنای قانون و اصول اخلاقی قرار داده، منحصر به فرد است. این مقاله به تطبیق احکام و قوانین کیفری قانون حمورابی، احکام یهودیت و وندیداد از لحاظ حقوقی پرداخته و شباهت‌ها و تفاوت‌ها و اقتباسات آنها از یکدیگر را می‌نماید و همچنین مواردی مانند توبه، بهشت و جهنم و بخشش گناهان را که بیشتر به جنبه‌های دینی مربوط است، بیان می‌کند. اخلاق پزشکی، داوری خواستن از غیب، توبه، مستثنیات دین، محیط زیست، طلاق، مهریه، رباخواری، بردگی و مجازات حیوانات از جمله موضوعاتی است که با روش پژوهش توصیفی، تطبیقی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابر یافته این مقاله، گرچه پایتخت ساسانیان میانرودان بوده و می‌بایست قانون‌نامه رسمی آنان (وندیداد) بیشتر با مقررات حمورابی هم‌نوا باشد، ولی شگفتا، میزان مشابهت‌های تورات با قانون‌نامه حمورابی بیش از شباهت قانون‌نامه حمورابی با وندیداد است و حتی در برخی موارد حکمی از تورات لفظاً با قانونی از قانون حمورابی همانند است.

کلید واژه‌ها: قانون‌نامه حمورابی، وندیداد، تورات، اوستا، تاریخ حقوق، کیفر شناسی.

۱۳۹۲/۱۱/۱۱

تاریخ دریافت:

۱۳۹۴/۴/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی:

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

zkhaksar@gmail.com

نقض قاعده اجتماعی موجب ورود خسارت به جامعه می‌شود و جامعه در قبال خسارتی که متحمل شده است، با تحمیل رنج و خسارت دیگری به مقصر از یک سو و ترمیم خسارات وارده از سوی دیگر، برقراری نوعی تعادل در جامعه را دنبال می‌کند. هدف کیفر تحمیلی به بزهکار تنها برقراری تعادل اجتماعی، تنبیه خطای اخلاقی ارتكابی و مجازات مجرم به لحاظ عدم رعایت وظایف اجتماعی و ارضای افکار عمومی نگران و منزجر نیست. علاوه بر آن، لازم است که هر مجازات آن طور انتخاب و اجرا شود که برای دیگران عبرتی باشد و کارکرد پیشگیرانه سودمندی را نیز ایفا کند. مجازات باید کمک کند تا جرمی که به وقوع پیوسته دیگر بار چه توسط خود مجرم (پیشگیری خاص یا خصوصی) و چه توسط سایر شهروندان (پیشگیری عام یا عمومی) تکرار نشود.

در اینجا محور بحث ما بررسی کیفرشناسی قانون‌نامه حمورابی با احکام یهودیت و وندیداد می‌باشد و با توجه به اینکه این سه قانون‌نامه در حیطة زمانی و مکانی بسیار متفاوتی تدوین و اجرا شده‌اند، لذا بنا به اهمیت و ضرورت موضوع و آشنایی بیشتر با آن، محدوده زمان و مکان و محتوای هر یک از آنها را بیان می‌کنیم. سپس بطور جداگانه همانندی‌ها و اختلافات کیفرشناسی هر یک از قانون‌نامه حمورابی، وندیداد و تورات را بررسی خواهیم کرد. گرچه تا کنون اختصاصاً در باره هر یک از مجموعه‌های یادشده آثاری منتشر شده، ولی بررسی تطبیقی زمینه‌ها، درونمایه‌ها و جهت‌گیری اصلی کهن‌ترین قانون‌نامه‌های خاورمیانه موضوع بررسی این مقاله است.

۱. پیشینه تاریخی قانون‌نامه‌ها یا احکام دینی

۱.۱. وندیداد

از تاریخ ظهور زرتشت آگاهی درستی در دست نیست، ولی بر مبنای مجموعه قراین، سنواتی بین ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ ق.م را حدس می‌زنند (مزدآپور، ۱۳۸۲: ۱۶). شواهد زبان شناسی حکایت از آن می‌کند که خاستگاه جغرافیایی وی بایستی از ایرانیان شمال شرقی باشد و شاید هم طایفه خود او سرانجام در مصب رود جیحون واقع در خوارزم سکنی گزیده‌اند (بویس، ۱۳۷۶: ۱۷).

اوستای کنونی شامل ۵ بخش: یسنا، ویسپرد، وندیداد، یشت‌ها و خرده اوستاست. اوستا در زمان ساسانیان ۲۱ کتاب را در برداشت و هر کتاب به نام نسک نامیده می‌شد. وندیداد نام عمومی گرفته شده از متن اوستا (ویدئودات)، یعنی «داد دیو ستیز» است و نسک نوزدهم اوستا است و دارای ۲۲ فرگرد است که به طور کامل تا عصر حاضر باقی مانده

است. اندرسون معتقد است که فرگرد اول وندیداد در عهد مهرداد اول اشکانی (۱۷۴-۱۳۶ ق.م) تدوین شده و بنابر نظر کریستن سن زبان و سبک نگارش وندیداد مؤید آن است که همه این کتاب دینی در اوایل عهد اشکانی تألیف یافته است (معین، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

وندیداد مجموعه‌ای از قوانین و خرافات دینی است. البته در متن کتاب قسمت‌هایی از مضامین زرتشتی وارد شده است، اما اغلب مطالب آن با آموزه‌های زرتشت و گاتاها تناقض کامل دارد (رضی، ۱۳۵۲: ۳۲). با وجود این، نمایانگر باورهای دینی و آیینی رایج بسیاری از ایرانیان - بویژه در دوره ساسانی است و ارزش تاریخی بی‌بدیلی دارد.

برخی از پژوهندگان، وندیداد را برآیند نفوذ گسترده مغان مادی در دربار «خشایارشا» و هماهنگی آن دربار با روحانیت زرتشتی می‌دانند (دوستخواه، ۱۳۷۰: ۶۵۵). دو فرگرد نخستین و چهار فرگرد واپسین وندیداد، سبک نگارش و محتوایی متفاوت با دیگر فرگردها دارد و احتمالاً بازمانده اساطیر کهن آریایی است که نمی‌دانیم به چه علت با فرگردهای سوم تا هیجدهم همراه و در یک مجموعه آمده است. بنابراین موضوع بحث ما که مجازات کیفری احکام وندیداد است، بیشتر دربرگیرنده فرگردهای سوم تا هیجدهم خواهد بود.

۲.۱. تورات

در میان نظام‌های اجتماعی کهن، نظام یهودیان از آن جهت که دین را مبنای قانون و اصول اخلاقی قرار داد، منحصر به فرد است. قانون نامه یهود، نمونه نخستینی بود که در آن صریحاً قانون را چیزی برتر از مصالحه‌ای برای تأمین منافع فرد و دولت در برابر یکدیگر می‌داند و از پیشینه تاریخی تبعیت نمی‌کند، بلکه بر هدفی اخلاقی متکی است (یونسکو، ۲۵۳۶: ۲۵۰). گرچه تاریخ زندگی حضرت موسی را میان ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ ق.م تخمین زده‌اند، اما اسناد مکتوب قدیمی‌ترین بخش‌های آن یعنی اسفار خمسه (تورات) حداکثر به حدود ۹۰۰ ق.م باز می‌گردد (بادامچی، ۱۳۸۲: ۳۱).

با تجزیه و تحلیل دقیق و نقادانه مجموعه تورات (سفر پیدایش، سفر خروج، سفر لاویان، سفر اعداد، سفر تثنیه) بخوبی می‌توان حداقل چهار منبع اصلی در روایت این مطالب را تشخیص داد: «این منابع برای سهولت بیشتر با حروف J، E، D و P نشان داده شده‌اند و هر یک از آنها مبین خطوط کلی و یا منابع متعلق به یک دوره خاص می‌باشند: حرف J برای حدود ۹۵۰ سال قبل از میلاد مسیح، حرف E برای حدود ۸۵۰ سال قبل از میلاد و حروف D برای حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد به این طرف نوشته شده‌اند» (رابرت، ۱۳۷۴: ۶۰۴). مجموعه عهد عتیق احتمالاً در حدود سال‌های ۴۰۰ پیش از میلاد بسته شده است.

۳.۱. قانون نامهٔ حمورابی

حمورابی ششمین پادشاه دودمانی اموری بود که در حدود ۱۸۵۰ قبل از میلاد به حکومت رسید. او در طول چند سال اول حکومتش، با شهرهای همسایه پیمان اتحاد بست یا دست کم روابط حسنه‌اش را حفظ کرد. قلمرو مردم آن ناحیه از نظر تعدد قوانین و آداب و رسوم و پیچیدگی مجموعهٔ خدایان و دوام سنت‌ها و خصوصیات ملی، انگشت نما به شمار می‌رفت (رو، ۱۳۸۱: ۲۱۰). به گفتهٔ ساموئل کریمر: «...حمورابی به آرزوی یکپارچه سازی سرزمینی عمیقاً شقه شقه و تبدیل آن به سرزمینی واحد که در جهان باستان نقشی عمده ایفا کند، تک تک رقابیش را تحت فشار قرار داد و شهرها را ویران کرد» (دان، ۱۳۸۵: ۳۸).

از آنجا که هر دولت و حکومتی برای حفظ و بقای قلمرو تحت سلطه‌اش باید به صورت نظامند عمل کرده و قانونی بر آن حکمفرما باشد لذا حمورابی نیز برای ایجاد اتحاد ملل تحت حکومتش، مجموعه قوانینی شامل ۲۸۲ ماده را در قلمرو پادشاهی خود بنیاد نهاد که این وحدت به تدریج در همهٔ شهرهایی که بر اثر امور بازرگانی رونقی گرفته بودند، ایجاد شد. شهرهای سوریه از طرفی و شهرهای سومر از طرف دیگر، در حدود هزار سال مرکز عمدهٔ این تحولات محسوب می‌شدند (بهمنش، ۱۳۶۹: ۹۲). محتوای این قانون نامه دربرگیرندهٔ مسایل اجتماعی و حقوقی مختلفی همچون دزدی، ربا، برده‌داری، قتل، تجاوز، ازدواج و... است (میک، ۱۳۷۳: ۲۰-۱۹). البته با توجه به قراین و شواهد موجود، و متن مقدمه و مؤخرهٔ قانون نامه، حمورابی ادعا می‌کند که این منشور حقوقی را از خدای بابل دریافت کرده و سپس حتی در پایان متن ادعای خدایی کرده و بر مردم منت می‌گذارد که قانونی را به آنها عرضه کرده است.

چنانکه پرفسور ساکس معتقد است: «منشور حمورابی در مفهوم قانون، به صورت امروزی تنظیم و تدوین نگردیده است و بلکه این قانون در واقع دستورالعملی بوده که در هر موقع شاه حمورابی به موردی از اختلاف حاصله از روابط مردم برخورد می‌نموده نسبت به آن مورد، حکمی کلی صادر کرده و سپس آنرا برای حکام ارسال می‌داشته است تا طبق آن در موارد مشابه عمل نمایند و همین دستورالعمل‌های متعدد بوده که بنا به ارادهٔ پادشاه مزبور به صورت این منشور در آمده و به نام قانون نامهٔ حمورابی معروف گردیده و به فرمان وی بر روی سنگ نوشته شده تا در دسترس همگان قرار گیرد» (کیخسروی مقدم، ۱۳۵۶: ۱۷۶) و «روح این قانون بزرگ مدت پانزده قرن با همه تغییراتی که در کشور پیش آمده

۱. با توضیحات مذکور، قانون حمورابی و احکام و نذیبات و تورات، در مقاله حاضر قانون به مفهوم خاص آن در دوران مدرنیته، یعنی توافقی‌های برآمده از نمایندگان افکار عمومی، نیستند، بلکه توسعاً به معنای مقرراتی

نافذ بود، فقط در پاره‌ای از اوضاع و احوال تغییرات جزئی در آن داده شد» (ویل دورانت، ۱۳۷۰: ج ۱/ ۲۷۲).

۲. کیفرشناسی

قبل از اینکه به شباهت‌ها و اختلافات کیفری قانون‌نامهٔ حمورابی و وندیداد پردازیم، برای روشن‌تر شدن بیشتر بحث، معنا و مفهوم کیفرشناسی را بیان می‌کنیم. کیفرشناسی شاخهٔ جدیدی از علوم مربوط به جرم و کیفر و به تعبیر برخی علوم جنایی است. موضوع اصلی این رشته از علوم جنایی یعنی کیفر و اجرای آن، نتیجهٔ عینی و ملموس کوشش‌ها و هزینه‌های گزافی است که برای تشکیلات قضایی، پلیس، زندان‌ها و بلکه بیش از اینها در سطح کل جامعه برای برقراری عدالت و امنیت یا احترام به قانون صرف می‌گردد. در نتیجه چنانچه کیفر به خوبی شناخته و اعمال نشود نه تنها تلاش‌ها و هزینه‌های مذکور به هدر رفته‌اند، بلکه زمینه‌های از دست رفتن مشروعیت نظام قضایی و پلیس نیز فراهم می‌گردد (صفاری، ۱۳۸۶: ۷).

در واقع کیفرشناسی به تبیین یا تحلیل و توجیه شیوه‌ها و راهکارهای مبارزه قهرآمیز یا کمینه محدود کننده حقوق و آزادی‌های افراد شامل بررسی چیستی و چرایی انواع کیفر یا مجازات، روش‌های اعمال و ارزیابی آنها پرداخته و دست آخر به بررسی تحولات و تکامل کیفر و اهداف مورد انتظار از آن در سطح نظری و عملی و در مراحل سه گانه تقنینی، قضایی و اجرایی می‌پردازد.

موضوع کیفرشناسی بررسی ضمانت اجراهای کیفری در سه مرحله و در دو سطح نظری و عملی می‌باشد. در مرحلهٔ اول، شیوه وضع و تدوین قوانین و مقررات مربوط به کیفر یا کیفر در مرحلهٔ تقنین و نیز مباحثی پیرامون ماهیت و چیستی مجازات، اهداف و چرایی آن و نحوه یا ملاک توزیع مجازات‌ها یعنی اینکه چه جرائم یا چه افرادی باید مجازات شوند، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در مرحلهٔ بعد نحوه تعیین مجازات و محکومیت به آن در هر پرونده خاص یعنی کیفر در مرحله حکم یا تخصیص یافتن، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در سومین مرحله از کیفیت و روش‌های اجرا و اعمال ضمانت اجراهای کیفری بحث به میان

هستند که از سوی نیرویی قدرتمند (حاکم یا خداوند یا گروه خاص) وضع شده و برای متخلف کیفر دنیوی یا مینوی وعید داده است. به دلیل این که در دنیای قدیم تفکیک امور آسمانی (وحیانی) از زمینی - آن گونه که در سکولاریزم جهان نوین وجود دارد - غیر ممکن است، مطالب این مقاله بناچار رنگ حقوقی-الاهیاتی گرفته است.

می‌آید. بنابراین کیفرشناسی به بررسی وضع و برقراری کیفر، تعیین و اجرای آن می‌پردازد (صفاری، ۱۳۸۶: ۱۹-۱۸).

حقوق کیفری نیز اعمالی را که عموماً برای جامعه مضر محسوب می‌شود تعریف و کیفرهای مباشران آن اعمال را مشخص می‌نماید. پس از احراز عملی ارتکاب یک بزه، ضروری است که مباشر آن کشف شود، ادله جمع‌آوری گردد و در پایان یک فرایند، که عموماً قضایی است، مجرم به کیفر خود برسد. البته نظام ضمانت اجراها باید هم خسارت ناشی از جرم را ترمیم نماید و هم زمینه بازگشت یا بازپذیری اجتماعی محکوم را در عین رعایت شأن و کرامت او هموار کند (بولک، ۱۳۸۵: ۱۸ و ۱۳).

همه تمدن‌ها یک نظام کیفرها به خود دیده‌اند. هر جا که جامعه‌ای وجود دارد، حقوق نیز وجود دارد و در جایی که دولتها وضع مقرراتی را برای جریان منظم و هماهنگ زندگی اجتماعی تشخیص می‌دهند، ضروری است که این مقررات درباره کسانی که آنها را نقض می‌کنند به اجرا گذاشته شود و ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده نیز علیه آنان اعمال گردد. شدیدترین موارد این ضمانت اجراها از نوع کیفری هستند. در واقع مجازات، تاوان عمل ضد اجتماعی‌ای است که ارتکاب یافته اما تحمیل این تاوان هم‌زمان دارای یک هدف اخلاقی و یک هدف فایده‌گر بوده است.

برای دفاع مؤثر جامعه، پیش‌بینی و مجازات نسبتاً شدید جرایم از طرف قانونگذاری کافی نیست. تجربه ثابت می‌کند که وجود یک مجموعه جزایی و تهدید یک مجازات به تنهایی برای تأمین نظم، امنیت، شرافت، تقوا و اموال افراد کفایت نمی‌کند. علاوه بر این مجموعه جزایی باید مقرراتی تأسیس کند که کشف سریع و محکومیت قطعی به مجازات کسانی را که قانون کیفری را نقض کرده‌اند، ممکن نماید. مصلحت جامعه، مقتضی مجازات سریع و قطعی جرایم است. دادرسی کیفری با تشکیل دادگاههای جزایی و با تعیین قواعد جستجو، تأیید جرایم، پیدا کردن دلایل و قضاوت مجرمین باید دقیقاً هدف سرعت و قطعیت را تعقیب نماید و اگر همیشه در سرعت موفق نمی‌شود اقلماً قطعیت مجازات را تأمین کند (استفانی، ۱۳۷۷: ۲).

۳. همانندی‌ها و اختلافات کیفرشناسی قانون نامه حمورابی با وندیداد

۱.۳. شباهت‌های گونه‌های کیفری

۱- اصل اخلاق پزشکی و حتی حقوق و تکالیفی که برای پزشک در نظر می‌گرفتند در ایران باستان پیوسته یکسان و پایدار بوده است، و تنها به اقتضای شرایط زمان و مکان سهل‌تر و گاه سخت‌تر می‌شده است، مانند این که پزشک با بیمار خوش‌رفتار باشد و صبور و باحوصله

در برابر بیمار رفتار کند و مسایل علمی همانند این که اهل مطالعه و کوشش باشد و در کار تشخیص و درمان با استعداد و مهارت باشد و مجازات‌هایی که در برابر جرایمی مثل سقط جنین است در هردو مشترک است (خدا کرمی، بی تا: ۴۳-۴۲).

گفته شده که مغانی که وندیداد را مرتب و احکام شرعی را در آن بخش مدون کرده‌اند، از همان مغانی بودند که در زمان مادها و پیش از آن در بین‌النهرین پراکنده بودند. همانند چنین احکامی را در قوانین حمورابی ملاحظه می‌کنیم که در میان سومری‌ها و بابلی‌ها رایج بود. در وندیداد فرگردهای ۲۰ و ۲۱ درباره مسایل پزشکی مطالبی آمده است.

با توجه به بندهای فرگرد ۷ وندیداد، کاهنان و مغان با کلام مقدس و ذکر و اوراد و مراسمی پیچیده برای دفع شیاطین و ارواح خبیثه بیماران را درمان می‌کردند. پیش‌گویی‌هایی از نگرش و نظاره بر روده‌ها و امعاء و احشای دام‌هایی که قربانی می‌شد به ویژه با دقت و نظاره بر جگر سیاه و یا چگونگی پرواز پرندگان می‌کردند. هرودت و استرابون از رواج چنین اعمالی میان مغان خبر داده‌اند و در بین‌النهرین نیز در زمان‌های گوناگون مغان کارگزار همین کارها بوده‌اند که در وندیداد به دگر دیسه شدن بسیاری از آن اعمال و معتقدات و آداب برمی‌خوریم (رضی، ۱۳۷۶: ۸۱۳-۸۱۱).

در مجموعه قوانین حمورابی نه ماده درباره هزینه پزشکی نوشته شده است. همه این نه ماده منحصر به حق معالجه پزشکان نیست، بلکه غرامت اشتباهات پزشکان و نیز حق المعالجه اشخاص ثروتمند و طبقه اول و یا افراد فقیر و بردگان نیز در آن به روشنی تعیین شده است، از جمله این که :

اگر پزشکی، تومور یا دمل کسی را با چاقوی فلزی عمل کرد و درمان کرد و یا چشم او را معالجه کرد، باید ده شکل (واحد وزن در بابل قدیم، هر شکل تقریباً برابر با ۱۶ گرم) نقره دریافت کند. اما اگر نظیر این اعمال در مورد پسر یک کارگر یا رنجبر انجام گیرد، فقط پنج شکل دریافت خواهد کرد، و هرگاه در مورد یک برده انجام گردد، دو شکل و نیز اگر پزشکی کسی را به سبب وجود جراحت شدید با چاقوی فلزی عمل کند و منجر به مرگ او گردد و یا اگر تومور چشمی را باز کند و منتهی به خرابی این عضو گردد باید دست آن پزشک را قطع کنند. این دستور در موقعی که منجر به از بین رفتن دید چشم بیمار گردد نیز لازم الاجرا است... (قوانین ۲۲۳-۲۱۵ حمورابی).

۲- داوری خواستن از غیب یا اوردالی یا وُر، توسل به قضاوت الهی برای تصمیم‌گیری در خصوص پرونده‌هایی است که از راه دیگری قابل حل و فصل نیست و نمی‌توان آنها را حل نشده باقی گذاشت. ماهیت اوردالی‌ها این گونه بود که یک فرد به طور قانونی در معرض آزمایش جسمانی قرار می‌گرفت و بر اساس پاسخ بدنی او به آزمایش، برنده یا بازنده تلقی

می‌شد. متداول‌ترین آنها عبارت بود از فرورفتن در آب، نوشیدن یا از طریق دیگری با معجون‌های متنوع تماس حاصل کردن یا اورادالی‌های گرم، که در آن شخص باید شیء خاصی را از مایع جوشان برگیرد، شیء گداخته‌ای را لمس کند، لیس بزند یا روی آن راه رود و یا مسافتی خاص آن را حمل کند. در خصوص فایده و تأثیر چنین محاکماتی، توجیهات بسیاری مطرح شده و برخی آنها را با وسایل اندازه‌گیری روان‌شناختی جدید مانند دروغ‌سنج مقایسه کرده‌اند. صرف نظر از اعتبار علمی این آزمایش‌ها، مخرج مشترک اورادالی‌ها، باور به ماهیت فوق طبیعی محاکمه است. عامل فوق طبیعی ممکن است خود آن عنصر باشد، یا خدایی که در آن عنصر تجسم یافته و یا خدایی متعالی‌تر؛ اما در تمام این موارد عاملی الهی وجود دارد که برای کمک در حل پرونده به دانش عالی او توسل شده است (کنسکی، ۱۳۸۳: ۲۸۵-۲۸۴).

مثلاً در مواد (۲ و ۱۳۲) قانون‌نامهٔ حمورابی برای جرایم جادوگری و زنای محصنه به متهم، اوردالی پیشنهاد می‌شده است، به این ترتیب که وقتی زنی در افواه به زنای محصنه متهم شده ولی هیچ‌گونه دلیل علیه او ارائه نشده، او با توسل به حکم الهی بی‌گناهی خود را ثابت خواهد کرد (مادهٔ ۱۳۲ قانون‌نامهٔ حمورابی). اندیشهٔ مساعدت را خود متن القا می‌کند: اگر زن بوسیلهٔ شوهرش متهم شده باشد با سوگند خود را تبرئه خواهد کرد (مادهٔ ۱۳۱ قانون‌نامهٔ حمورابی). یعنی با یک اوردالی که همیشه از آن پیروز بیرون خواهد آمد، به این شرط که خودش خواهان اوردالی باشد. در اینجا اوردالی برای آزادی فرد است که به نام خدایان در اختیار قرار داده شده است تا یک وظیفه و بار. رویهٔ معمول معاصر با حمورابی از این قرار است که کسی که متحمل اوردالی می‌شود (یعنی اوردالیست)، شخص متهم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۶۲-۲۶۱). (همچنین ر.ک. کبریتی، محمد جواد و حسین آقا بابایی و دیگران، ۱۳۸۹، «مطالعه تطبیقی جرایم جنسی در حقوق کیفری بین‌النهرین باستان، آیین کیفری یهود، فقه جزایی اسلامی و حقوق ایران» در پژوهشنامه حقوقی، سال اول، شماره اول، صفحات ۱۳۵-۱۱۳).

بنابر قانون ۲ حمورابی: «اگر کسی شخصی را به جادوگری متهم کند و نتواند ادعای مزبور را اثبات نماید، آن کس که متهم به جادوگری شده است، می‌تواند در داخل رودخانه غوطه‌ور شود، اگر رودخانه او را غرق کرد مدعی، خانهٔ او را تصاحب خواهد کرد، ولی اگر رودخانه بیگناهی او را نشان دهد و بدون صدمه‌ای از رودخانه خارج شد، کسی که او را به جادوگری متهم کرده، باید کشته شود و آن‌که از رودخانه سالم خارج شد می‌تواند خانه و اموال متهم‌کننده را ضبط نماید» (قانون ۲ حمورابی).

موارد متعدد از آزمون با آتش در ایران باستان وجود دارد. پرآوازه‌ترین آنها، سیاوش به تاخت، از باریکه میان دو آتش گذر می‌کند با آن که «شعله‌های آتش وی را در بر می‌گیرند» چون بی‌گناه بود، بی آن که آزاری دیده باشد از میان آتش بیرون می‌آید. زیرا آنگاه که ایزد لطف داشته باشد، نفس آتش سوزان تبدیل به نسیم می‌شود. در نوع دیگر از آزمون، فلزی را آن چنان حرارت می‌دادند تا ذوب شود، آنگاه فلز ذوب شده را بر سینه برهنه متهم می‌ریختند. اگر متهم دوام می‌آورد، می‌دانستند بی‌گناه است. زرتشت از این گونه آزمایش الهام می‌گیرد. زیرا در صحرای محشر و روز قیامتی که وی وعده می‌دهد رودی از فلز مذاب، گناهکاری یا بی‌گناهی همه آدمیان را آزمایش می‌کند (بویس ۱۳۷۶: ۵۵).

در پایان گیتی نیز آتش داور است، در برابر آتش سره از ناسره باز شناخته می‌شود و نیکوکار از گناهکار جدا می‌گردد. پاداش و پادافره هر دو گروه از مردمان، مزدیسنان و دیویسنان یا پیروان دین راستین و پیروان کیش دروغین، پس از داوری ایزدی داده خواهد شد، در آن روز است که پاکان از ناپاکان شناخته شوند (پورداوود، ۲۵۳۷: ۱۵۴).

۲.۳. تفاوت‌های گونه‌های کیفری

۱- در قانون نامه حمورابی دیده نمی‌شود که اگر کسی جرمی را مرتکب شد، هر چند خیلی جرم سنگینی باشد بدون مراجعه به قاضی و دادرس مجرم مجازات شود، اما در وندیداد در مواردی که حکم به مرگ ارزانی شده است، این گناهکاران را می‌توان هر جا یافت بدون مراجعه به قاضی و دادرس به قتل رساند که به آن پشوتنو یا تناپوهر می‌گویند. مرگ ارزان یعنی کسی که سزاوار مرگ و در خور کشته شدن است (دوستخواه ۱۳۷۰: ۹۵۷). برای نمونه در وندیداد فرگرد ۱۵ بند ۱ آمده است: «گناهانی که اگر مردمان بدان‌ها دست بیالایند، پشوتنو می‌شوند و پشیمانی و دادن تاوان آنان را رهایی نمی‌بخشد چندتاست؟ اهوره مزدا پاسخ داد شمار چنین گناهانی پنج است: نخست آن که کسی کیش و آیینی بیگانه و نادرست را با دانش و آگاهی از گناه این کار به یکی از اشونان بیاموزد، این گناهی است که او را پشوتنو می‌کند. دوم آن که کسی استخوانی بسیار سخت و ناجویدنی یا خوراکی بسیار داغ به سگ گله یا سگ خانگی بدهد و ...» موارد دیگری نیز در فرگرد ۱۶ بند ۱۸ آمده است. یعنی در واقع در گذشته‌های خیلی دور نیز مردم حق نداشتند خودشان مجرم را مجازات کنند و باید با مراجعه به قاضی و طی کردن مراحل قانونی شکایت خود را اعلام کرده و مجرم را به کیفر برسانند و حتی در وندیداد نیز که حکم به مرگ ارزانی شده فقط برای چند جرم مشخص و خاص بوده است و برای بقیه جرایم مراجعه به دادگاه لازم بوده است.

۲- در قانون حمورابی شمار تازیانه‌ها قابل اجراست، و تعداد مشخصی دارد اما در وندیداد در برخی از موارد اغراق آمیز است؛ برای مثال، بنا بر فرگرد ۱۴ بندهای ۱-۲: کسی که سگ آبی را- سگی که از هزار سگ نرینه و هزار سگ مادینه زاده شده است- چنان بزند که جان از تن وی جدا شود، پادافره گناهش چیست؟ اهوره مزدا پاسخ داد: باید ده هزار تازیانه با اسپهه-اشترا، ده هزار تازیانه با سروشو-چرن بدو بزنند.

جدول شباهت‌ها و تفاوت‌های کیفری قانون‌نامه حمورابی با وندیداد

قانون حمورابی	وندیداد
۱- قوانین پزشکی و مجازات متخلفان صریحاً ذکر شده است.	قوانین پزشکی و مجازات متخلفان صریحاً ذکر شده است.
۲- اورادالی یا آزمایش با رود دجله و فرات وجود دارد.	اورادالی یا آزمایش با رودخانه و آتش وجود دارد.
۱- نمی‌توان مجرم را بدون مراجعه به قاضی مجازات کرد.	در مواردی که حکم به مرگ ارزانی شده، می‌توان مجرم را بدون مراجعه به قاضی به قتل رساند.
۲- تعداد تازیانه‌ها قابل اجرا است.	تعداد تازیانه‌ها اغراق آمیز و اجرانشدنی است.

۴. تشابهات و تفاوت‌های احکام یهودیت با وندیداد

۱.۴. تشابهات

۱- پَیت یا توبه در وندیداد: در اوستا (پَی تیت) و در پهلوی و پازند (پَیتیت) و (پَیت) باز گشت از گناهکاری و کژرفتاری یا توبه کردن از کارهای نارواست که به معنی توبه و انابه است. در پت‌ها چه آن که یک نفر برای خود بسراید و یا برای شخص در گذشته و شادی روان او، از مواردی سخن به میان آمده که اساس آن بر پایه کارهای بایسته است که باید انجام بدهد و نداده و یا برعکس کارهای نابایسته‌ای است که نباید انجام می‌داده و انجام داده است و توصیه می‌کند که با منش خوب دنبال کارهایی برود که با کرفه کاری راه دوزخ بسته و راه بهشت گشوده شود و همچنین از آن که امشاسپندان بر آن موکلند و مردم پاس آن را نگاه نداشته‌اند توبه می‌نمایند مانند نگهداری ستوران سودمند، پاس آتش اجاق خانوادگی و فروغ ایزدی داشتن، نگهداری فلزات پاک، نگهداشتن زمین و آب و گیاه. در پتت سایر وظایف دینی و اخلاقی و انسانی نیز توصیه شده که شخص باید انجام بدهد و اگر انجام ندهد توبه می‌نماید، مثلاً حتی اگر به تازه وارد و مسافر غریب جا و پناه و خوراک نداد و بعد از این غفلت پشیمان شود بخشش می‌خواهد. همواره گناه کمتر ریشه‌اش خشک و نابود شده از میان می‌رود و برعکس، کرفه یا ثواب افزایش یافته بیشتر و بهتر و رویاتر شده بلند و ارجمندتر می‌گردد تا این که راه دوزخ بسته و راه بهشت گشاده شود و پروردگار امشاسپندان

خشنود و تن و روان تابناک باشد (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۱۹۵). هرچند توبه گناهان و اثرات آن را از بین می‌برد و گناهکار را پس از مرگ از رفتن به دوزخ و آلام جهنم نجات می‌دهد، اما به هیچ وجه از اجرای مجازات و کیفرهای تعریف شده برای هر گناه در این دنیا جلوگیری نخواهد کرد. به همین دلیل مجازات کسی که مرتکب گناهی «بی‌توبه» یا «طهارت‌ناپذیر» مانند لواط یا غلامبارگی، کشتن مرد مقدس (به‌دین) و غیره شود، شخص گناهکار (پشوئنو) می‌شود. هرگاه کسی با یکی از این گناهکاران مصادف شود می‌تواند بدون اجازهٔ ردان و دستوران شخصاً اقدام به قتل او نماید. البته گناهان و توان‌های سنگین آن، همه در صورتی است که شخص گناهکار پیرو دین مزدا بوده باشد، اما اگر کسی خارج از دین مزدا باشد و یا پرورش یافتهٔ این دین نباشد، به تصریح وندیداد، گناهان او با پذیرفتن دین مزدا بخشیده می‌شود، به این شرط که تعهد کند در آینده چنین جرمی مرتکب نشود (حسینی، ۱۳۸۴: ۲۰۸). البته علت تدوین پتت از سوی آدریاد مهر اسفندان در دورهٔ ساسانی مقابله نمودن با کشیش‌های عیسوی بوده که در آن روزها برای ترویج مذهب عیسی در ایران سعی بلیغ می‌نمودند (آذرگشسب، ۱۳۷۱: ۱۸۳-۱۸۲).

در تورات برای متخلف همیشه امکان توبه و یا تشووا (برگشت) که او را به طرف رابطه‌ای درست با خدا بر می‌گرداند، وجود دارد. توبهٔ حقیقی که مستلزم تشوواپی از سر عشق و نه از ترس مجازات است می‌تواند به تبدیل گناهان پیشین به اعمال عادلانه منجر شود حتی تشوواپی که با انگیزه‌های نازل تر انجام شود می‌تواند تخلفات گذشته را بزدايد، اگر چه نمی‌تواند آنها را تبدیل کند. درهای تشووا همیشه باز دانسته شده و نوشته‌های اخلاقی و تقوی آموز، محاسبهٔ نفس صادقانه را تشویق می‌کنند تا یهودیان تأمل کنند که تا چه اندازه عمل آنان از فرمان الهی قصور دارد (آنترمن، ۱۳۸۵: ۵۶). «اگر کسی در سراسر زندگی شریک و بدکار باشد و در آخر عمر توبه کند، شرارت و بدی او را (از جانب الهی) علیه او به یاد نمی‌آورند» (کهن، ۱۳۸۲: ۱۸۷) اما نباید توبه را عقب انداخت مبادا مرگ فرا رسد و فرصت توبه فوت شود. در اینجا هم در وندیداد و هم در تورات، توبه (پتت یا تشووا) به جنبه‌های دینی آنها مربوط می‌شود و اجرای مجازات و جنبهٔ حقوقی احکام نیز به مسائل دینی مثل ثواب و عقاب یا بهشت و جهنم برمی‌گردد.

۲- چنان‌که مشهور است، زرتشتیان پرستار یا پرستندهٔ آتشند. یهودیان نیز در بسیاری از مراسم مذهبی شمع روشن می‌کنند تا نشان دهندهٔ آغاز شبهٔ سبت و روز مقدس باشد. مثلاً هشت شمع به طور همزمان در مراسم حنوکا، جشن انوار، روشن می‌شود و نماد منورا (چراغدان) نماد اصلی یهودیت است.

ده قانون معروف تورات را خداوند با شعله آتش به پیغمبر خود موسی «ع» فرو فرستاد یا به عبارت دیگر زبانه آتش زبان خداوندگار است. از این گذشته در همه جای تورات یاد شده که در قربانگاه‌ها باید همواره آتش جاودانی شعله‌ور باشد (پورداد، ۱۳۸۸: ۲۶۹ و ۲۷۰). در اینجا نیز شباهت مقدس بودن آتش جنبه حقوقی و کیفری ندارد بلکه به یکی از نمادهای دینی یهودیان و زرتشتیان اشاره دارد.

۳- مستثنیات دین، آن دسته از اموال مدیون را گویند که برابر قانون در هنگام اجرای حکم یا قرار یا سند رسمی مشمول مقررات اجرا نبوده و توقیف نمی‌شود و به ضرر مالک مدیون به فروش نمی‌رسد. به کارگیری واژه «مستثنیات دین» و استعمال آن در معنای فوق، استعمال لفظ در معنای مجازی است نه حقیقی، زیرا اموال یادشده مستثنای از دین نیستند، بلکه مستثنای از توقیف و فروش هستند (شاه حسینی، ۱۳۹۰: ۹-۷). فلسفه این- حکم این است که به عزت و کرامت انسان‌ها احترام گذاشته شود و امکانات اولیه و مورد نیاز برای زندگی مدیون فراهم شود.

در ایران باستان مصادره اموال آدم‌کشان و کفار و جادوگران و خائنان مجاز بود و به دستور حاکم یا دادرس انجام می‌گرفت؛ زیرا بر این باور بودند که اموال این افراد دین آنها به آن جامعه (ایران‌شهر) بود. این اموال را یا دولت برای خود بر می‌داشت یا به مؤسسات مذهبی واگذار می‌شد یا به اشخاصی که در کشف جرم خدمت کرده بودند تعلق می‌گرفت یا به عنوان پاداش به خدمتگذاران ایران‌شهر داده می‌شد. اما شواهدی داریم که نشان می‌دهد نیاز و معاش زن و فرزندان مجرم از مستثنیات دین بوده و به نفع طلبکار برداشت نمی‌شد. در فصل شانزدهم کتاب ونیدیداد و تحت عنوان «در عدم جواز بخشیدن مال غیر» در بند پنجم آمده است: «هر گاه مردی با رضایت زن خود مقداری از مال خود را به دیگری ببخشد در صورتی که آن مال برای رفع حوائج ضروری خانواده آن مرد لازم باشد آن بخشش (هبه) از درجه اعتبار ساقط است و چنین مالی باید به صاحبش برگردد ولو به موجب وصیت باشد» (شاه حسینی، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۰).

در یهودیت، در کتاب سفر تثنیه آمده است که «اگر کسی از بنی اسرائیل به فرد دیگری از بنی اسرائیل وام داده باشد و او نتواند قرض را ادا کند، دریافت دین باید توسط داین صرف نظر شود و دین را به مدیون ببخشد». همچنین آمده است که لباس زن بیوه، سنگ بالای آسیاب و گاه همه آسیاب را نمی‌توان برای دریافت طلب به فروش گذاشت. همچنین در «سفر نحمیای نبی» آمده است که بنی اسرائیل این قوانین را رعایت نمی‌کردند و مدیون را حتی به بیگانه می‌فروختند تا دین و طلب خودشان را به این وسیله دریافت کنند. در کتاب دوم پادشاهان به این امر مجوز شرعی نیز داده شده است (شاه حسینی، ۱۳۹۰: ۲۴).

مسکن، ابزار و وسایل مورد نیاز که برای زندگی و حیات مدیون و خانواده‌اش ضروری است، ابزارآلات و تجهیزات تحقیقاتی و علمی، البسه و میزان مشخصی از آذوقه مورد نیاز، میزان معینی از سطح درآمد مدیون و ابزار و وسایل و اسباب خانه از جمله اموال مستثنیات دین هستند که به عنوان اموال ممنوع از توقیف و فروش شناسایی شده‌اند.

۴- یکی دیگر از شباهت‌های بین وندیداد و تورات که رنگ دینی و مذهبی دارد رهایی یا کاهش عذاب جهنم است. در یهودیت به وسایل گوناگون می‌توان عذاب‌های جهنم را کاهش داد و حتی می‌شود به کلی از آن رهایی یافت. مثلاً کسی که ختنه شده باشد ممکن است رنج او در جهنم کمتر شود مگر آنکه شرارت و بدکاری او از حد گذشته باشد، چنان که در جهان آینده ابراهیم خلیل در مدخل جهنم می‌نشیند و نمی‌گذارد که هیچ فرد یهودی ختنه شده‌ای بدانجا فرود آید، ولی درباره اشخاصی که مختون هستند اما زیاد از حد خطا کرده‌اند چه می‌کند؟ او قفله (پوست ختنه‌گاه) کودکانی را که قبل از ختنه شدن مرده‌اند، گرفته و آن را روی افراد فوق‌الذکر می‌گذارد و ایشان را به جهنم سرازیر می‌کند (برشیت ربا، ۸:۴۸ یا ۷:۸). خواندن بعضی از گناهان نیز وسیله دیگری برای ایمن ماندن از عقوبت جهنم است. هرکس که شمع اسرائیل را بخواند و در تلفظ کردن حروف آن دقت نماید جهنم را برای او سرد می‌کنند (براخت، ۱۵ب) این کار را سابقاً قربانگاه (مذبح) معبد بیت همیقداش انجام می‌داد و باعث کفاره گناهان اسرائیل می‌شد. مهم‌ترین وسیله رهایی انسان از عقوبت دوزخ، آموختن و مطالعه تورات است. آتش جهنم بر دانشمندان تورات اثری ندارد (کهن، ۱۳۸۲: ۳۸۶).

برحسب فرگرد ۱۴ بند ۵-۷ وندیداد، یکی از راه‌های بخشش گناهان کشتن خرفستران است. خرفستران در اغلب موارد در وندیداد به معنی جانوران زیانکار و اهریمنی است، اما در گائاه‌ها و یشت‌ها به معنی مردم زیانکار و بد و شریر و راهزن و چادرنشین و بیابانگردان در برابر کشاورزانی که اسکان یافته‌اند به کار رفته است. انواع خرفستران بسیار و شامل: مار، مور، وزغ، ملخ، مگس، زنبور، عنکبوت، کرم، سوسک، پشه، بید، شپش، گرگ و... است. یکی از وظایف عمده موبدان و پیشوایان دینی، کشتن این جانوران و حشرات موذی بوده است. اینان همانگونه که برای کفاره گناه گناهکاران و اجرای حد شرعی همواره دو نوع تازیانه یا شلاق با خود حمل می‌کردند تا گناهکاران را شلاق بزنند، خرفسترکش یا مارغن (مارکش) نیز همراه داشتند و با آن مار و جانوران موذی را می‌کشتند. در وندیداد و به ویژه منابع دینی پهلوی، ملاحظه می‌کنیم که کفاره برخی از گناهان، کشتن هزارها مورچه، وزغ، کرم مدفوع، پشه و... است. کثافت و پخش کردن پلیدی موجب پیدایش خرفستران می‌شود.

۵- از دیگر شباهت‌های میان احکام یهودیت و وندیداد حفظ و پاکیزه نگه داشتن محیط زیست است. در ارتباط با طبیعت که مظهر قدرت الهی است در کتب مقدس یهودی سفارش به احترام شده است (انصاری، ۱۳۹۱: ۴۵). بسیاری از آیین‌های در طول تاریخ، همراه و همگام با پدیده‌های طبیعی شکل گرفته‌اند که برگزاری آیین یهودی در فصل بهار و پاییز از این نمونه است. فرد یهودی باید با استفاده از دستورات و احکام تورات و استناد به آنها راه‌هایی را برای زندگی در دنیا برگزیند که کمترین آسیب را به محیط زیست وارد سازد و با تغییر و تحولات طبیعی سازگار باشد.

بنابر کتاب مقدس، خداوند مالک طبیعت است. در مزامیر ۲۴: ۱ آمده است: «زمین و هر آنچه در آن است و جهان و هر چه در آن زندگی می‌کند از خداوند است. خدا طبیعت را به انسان واگذار نمی‌کند تا هرطور که دلش خواست با آن رفتار کند، بلکه خداوند صرفاً اجازه استفاده از طبیعت را به او می‌دهد. انسان مالک زمین نمی‌شود. زمین در درجه اول از آن خداوند و بعد متعلق به همه ساکنان زمین است». دین یهود تأکید می‌کند: «به یاد داشته باشید که زمین مال خداست و نمی‌توانید آن را برای همیشه بفروشید، شما مهمان خداوند هستید، می‌توانید فقط از محصول زمین استفاده کنید» (لاویان، ۲۵: ۲۳).

اگر فرمان‌های خداوند اجرا و سبب مراعات شود، هوای تمیز، باران بسیار، گاو و گوشتین و چرمین، خاک بارور و... برای انسان‌ها خواهد بود و اگر دستورهای خداوند اجرا نشود زلزله، ناباروری، آفات نباتی، ریزش سقف، سیلاب، طوفان، قحطی و... خواهد بود. به همین دلیل است که یهودیان بر ارتباط میان مردم و طبیعت تأکید دارند (انصاری، ۱۳۹۱: ۴۰). با توجه به اینکه یهودیت و زرتشت بیشتر دینی دنیاگراست تا آخرت‌گرا، بنابراین هم در وندیداد و هم در تورات به زندگی خوب و مرفه در این دنیا و بهره‌برداری از پدیده‌های طبیعت و حفظ و نگهداری از آنها سفارش زیادی شده است.

۲.۴. تفاوت‌ها

۱- بر خلاف یهودیت، در دین زرتشتی پادافره ابدی نیست و همه مردم سرانجام به بهشت در می‌آیند و به ستایش جلال خداوند می‌پردازند. گناهکاران در دوزخی موقتی که اهریمن و دیوانِ همدست او بر آن نظارت می‌کنند، بسیار سخت پادافره می‌بینند، «اما هیچ خدای خوبی نمی‌تواند عذاب الیم ابدی نصیب آفریدگان خود کند هر چند گناهانشان هم سهمگین باشد، زیرا این هم بر خلاف خوبی او و هم بر خلاف عدالت اوست» (حسینی، ۱۳۸۴: ۲۰۶-۲۰۵).

۲- در احکام تورات حداکثر تازیانه چهل ضربه است و چهل ضربه به عنوان حداکثر ضربات قانونی است نه به عنوان یک تعداد ثابت در همه موارد. مجرم بسته به شدت جرمی که مرتکب شده حداکثر تا چهل ضربه مجازات می‌شود (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۲۱۵). اما در وندیداد تعداد تازیانه‌ها در بعضی از موارد به هزار عدد می‌رسد و به اجرا در آمدن آن بسیار بعید به نظر می‌رسد.

۳- نمونه‌های روش اعدام در وندیداد عبارت است از: ۱- مجازات چرخ ۲- پوست کردن ۳- قطعه قطعه کردن بدن ۴- چهارمیخکوب کردن ۵- شقه کردن ۶- دوپاره کردن بوسیله درخت ۷- به پای فیل انداختن ۸- زنده پوست کردن قسمتی از بدن. مجازات اعدام در وندیداد برای جرم‌هایی از این قبیل می‌باشد: هرکس دین و شریعت زرتشتی را ترک کند مهدورالدم شمرده شده و محکوم به اعدام است، مجازات اعدام برای ترک فعل یعنی (بدون زن و خانواده و فرزند ماندن)، کسی که میت را بدون دانستن آیین مربوط به آن غسل دهد، کسی که در حمل جسد مرده به تنهایی اقدام کند، کسی که جسد مرده را بسوزاند و یا به آب اندازد و یا آن را طبخ کند و بخورد، در ارتکاب گناه ضد طبیعت و جرم راهزنی، که در این موارد گناهکار مرگ ارزان بوده و اعدام می‌شود. در یهودیت مجازات اعدام به شکل سنگسار کردن، خفه کردن و سوزاندن می‌باشد که در مقایسه با کیفیت اجرای اعدام در دین یهود شیوه‌های اجرای اعدام در آیین زرتشتی بسیار خشن‌تر بوده است (افراسیابی، ۱۳۸۱: ۷۷-۷۳) در یهودیت حکم اعدام برای مجازات قتل نفس، مجازات شاهد دوغین، جادوگری، زنا، محصنه، آدم‌ربایی، دزدی و جرایم علیه والدین اجرا می‌شود.

جدول شباهت‌ها و تفاوت‌های احکام تورات با وندیداد

احکام یهود	وندیداد
در یهودیت همیشه امکان توبه (تشووا) وجود دارد.	۱- در وندیداد توبه از گناهان (پتت) وجود دارد.
در یهودیت یهوه با زبانه آتش با موسی سخن گفت.	۲- در وندیداد آتش نماد الوهیت است.
در یهودیت بعضی از اموال جزء مستثنیات دین است.	۳- در وندیداد برخی از اموال شامل مستثنیات دین می‌شود.
در یهودیت از طرقی می‌توان عذاب جهنم را کاهش داد.	۴- در وندیداد راه‌هایی برای بخشش گناهان آمده است.
پاکیزه نگه داشتن محیط زیست مورد تأکید است.	۵- پاکیزه نگه داشتن محیط زیست مورد تأکید است.
پادافره ابدی نیست و سرانجام همه به بهشت می‌روند.	۱- پاداش و مجازات ابدی و جاودانه است.
گاهی تعداد تازیانه‌ها تا هزار عدد هم می‌رسد.	۲- حداکثر مجازات با تازیانه ۴۰ عدد است.
روش‌های اجرای کیفر اعدام بسیار خشن است.	۳- روش‌های اجرای کیفر اعدام آسان‌تر است.

۵. وجوه اشتراک و افتراق کیفری قانون نامه حمورابی با احکام یهودیت و وندیداد

۱.۵. همانندی‌ها

۱- داوری خواستن از غیب یا اورادالی- چنان که در آغاز مقاله ذکر شد- نزد مردم بابل هم به نامی خوانده شده که با نهاد آن سرزمین پیوستگی داشت. واژه «ایلونرو» گویای دو رود دجله و فرات است که در آن ناحیه روان است و در آنها آزمایش آب انجام می‌گرفت. بنابر قانون‌های ۱۳۲ و ۲ حمورابی اگر آب متهم را فرو می‌برد، گناهکار و ناپاک بود.

در آزمایش با آب در دین زرتشت از متهم خواسته می‌شد که خود را در آب غوطه‌ور سازد. چون سر متهم زیر آب می‌رفت، تیری را از کمان پرتاب می‌کردند و آدمی را نه چست و چالاک به دنبال تیر می‌فرستادند تا آن را باز پس بیاورد. اگر به هنگام مراجعت او متهم هنوز در زیر آب زنده بود، بی‌گناهی‌اش ثابت می‌شد. پیش از غوطه‌ور شدن در آب، متهم می‌بایست آب را - یعنی ایزد متوطن در آب را- با این جمله سوگند دهد: «با راستی و درستی، ای وارونا، مرا محافظت کن» (بویس، ۱۳۷۶: ۵۵).

در شریعت یهود نیز در بعضی موارد داوری ایزدی (اوردالی) در شمار یکی از ادله اثبات جرم می‌باشد از جمله برای اثبات خیانت زن به شوهرش از چنین آزمونی استفاده می‌شود. بنابر تورات، اگر مردی نسبت به زنش بد گمان شود اما شاهی نداشته باشد، برای روشن شدن حقیقت، زن خود را پیش کاهن می‌برد. کاهن مقداری آب مقدس در کوزه می‌ریزد و مقداری از غبار کف عبادتگاه را با آن مخلوط می‌کند، سپس کاهن از زن می‌خواهد که قسم بخورد بی‌گناه است و به او می‌گوید اگر غیر از شوهرت مرد دیگری با تو همبستر شده، از اثرات آب تلخ لعنت میرا شوی ولی اگر زنا کرده‌ای رسوا می‌شوی و شکمت متورم شده، نازا شوی. زن باید بگوید آری چنین شود. بعد کاهن لعنت‌ها را در طوماری می‌نویسد و آن را در آب تلخ می‌شوید و آن آب تلخ را به زن می‌دهد تا بنوشد و اگر زن به شوهر خود خیانت ورزیده باشد آن آب لعنت داخل او شده تلخ خواهد شد و شکم او متنفخ و روان او ساقط خواهد شد و اگر زن نجس نشده طاهر باشد آن گاه از گناه میرا شده و اولاد خواهد زایید (سفر اعداد، ۲۸-۵: ۲۷).

۲- در کتاب مقدس یهودیان اسامی متعددی برای نامیدن جایگاه مجازات افراد و جایگاه ارواح شریران و بدکاران به کار رفته است. جهنم به هفت اسم خوانده شده است: ۱- شئول ۲- اودون (فنائی و نابودی) ۳- شحت (فساد و هلاکت) ۴- بورشائون (چاه هلاکت) ۵- طیسط هیاوون (گل لجن) ۶- صلماوت (سایه مرگ) ۷- ارض هتحتیت به معنی زمین یا جهان زیرین که از این نام در کتاب مقدس یاد نشده، بلکه فقط در تورات منقول آمده است. دوزخ به نام‌های گه‌هینوم به معنی دره‌ای عمیق که همه به خاطر فساد اخلاق و شهوترانی به آن

فرو می‌افتند و توفت نیز نامیده شده است. مهم‌ترین عنصر و عاملی که در جهنم برای تصفیه ارواح گناهکاران و شریران یافت می‌شود آتش است. آتشی با حرارت و حدتی خارق العاده، حرارت آتش معمولی یک شصتم حرارت آتش جهنم است (کهن، ۱۳۸۲: ۳۸۴).

جایگاه لذت و شادمانی ابدی و کانون سعادت و خوشبختی جاویدان که برای نیکوکاران تعیین شده است، گن عدن یا باغ عدن نام دارد که همان بهشت معروف است. گن عدن یا بهشت نیز دارای هفت طبقه است که هفت دسته از نیکوکاران در آن سکنی دارند. هفت طبقه از عادلان و نیکوکاران در گن عدن یافت می‌شوند که به ترتیب از طبقه اول به بالا مقام و منزلت آنان عالی‌تر می‌شود. اگر هفت طبقه گن عدن را از بالا به پائین بشماریم اسامی آنها چنین است: حضور، دربار، خانه، خیمه، کوه مقدس، کوه خداوند، مقام مقدس (کهن، ۱۳۸۲: ۳۱۳-۳۱۲). در منشور حمورابی هر چند اشاره‌ای به جایگاه مجازات یا نام آنجا نشده است، اما معتقد بودند که همه بابلیان پس از مرگ به سینه زمین فرو می‌روند و بل یا بلع خداوند آن زمین است.

دین زرتشتی نخستین مذهبی است که در جهان از مسئله «حیات عقبی» و مسئله «قیامت» سخن به میان آورده و مسئله «آخرالزمان» را به مفهوم کامل خود طرح کرده است (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۳: ۳۳۸).

در دین زرتشت دوزخ در اعماق زمین قرار دارد جایی که تاریک‌ترین، ترسناک‌ترین و بدترین مکان است و دروغ و دیوان در آن جای دارند. در آن از شادی و لذت خبری نیست. فقط مکافات و رنج و ناراحتی وجود دارد که این‌ها در مقیاسی بیکرانه با رنج دنیوی قابل قیاس نیست، در حالی که در این جهان ترس از آینده‌ای بد معمولاً بسیار بدتر از خود بد می‌باشد، در دوزخ واقعیت بسیار فراتر از ترس است (زهر، ۱۳۷۵: ۵۰۶-۵۰۵). در اوستا برای بهشت بهترین واژه «به پرورده» به کار برده شده که «به پرورده» بهترین زندگی یا بهترین جهان است. برای دوزخ هم سه آشکوب برقرار شده که جایگاه دارندگان اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد است و آنها را دژمت، دوژخت، دوژورشت نام نهاده‌اند.

از دیدگاه زرتشتی بهشت یا دوزخ را خداوند برای پاداش یا تنبیه روان انسان در دنیای پس از مرگ نیافریده است، بلکه بهشت یا دوزخ، واکنش طبیعی رفتار انسان است، واکنشی که در همین جهان به خودش باز می‌گردد و بر وجدان و روانش اثر می‌گذارد و بهترین شادی و آرامش (بهشت) یا بدترین حالت درونی (جهنم) را برای او به وجود می‌آورد. به تعبیر دیگر بهشت یا دوزخ را نه آفریدگار یکتا، بلکه خود انسان، به دست خودش و برای خودش می‌آفریند (خنجری، ۱۳۷۵: ۶۰).

۳- آن گونه که از قانون حمورابی استنباط می‌شود، در بابل خانواده اساس اجتماع محسوب می‌شده است و رئیس خانواده (مرد) می‌توانست در مواردی که زن تا مهلت معینی صاحب فرزند نمی‌شد، وی را طلاق دهد و همچنین اگر زنی بیماری مزمن داشت مرد بدون آن که او را طلاق دهد، می‌توانست زن دیگری بگیرد و همسر اول مختار بود که یا به خانه پدرش برود و یا با وضعیت موجود ساخته و در خانه شوهرش باقی بماند. در بابل مرد بدون آن که او را طلاق دهد تنها مکلف بود که جهیزیه زن را به او بازگرداند و به او بگوید «تو زن من نیستی». اما اگر زن به شوهر خود می‌گفت «تو شوی من نیستی» بر شوهر واجب بود که با غرق کردن او را بکشد. نازایی و زنا، ناسازگاری و بد اداره کردن خانه، از عواملی بود که بر حسب قانون، طلاق زن را مجاز می‌ساخت. زن هم در صورت اثبات وفاداری‌اش به شوهر و ستم ناروای او نسبت به خودش می‌توانست از او طلاق بگیرد. قوانین ۱۴۲-۱۳۷ قانون حمورابی در این موارد می‌باشد برای نمونه :

«اگر کسی بخواهد همسر درجه اول خود را که برای وی پسرانی به دنیا نیاورده است، طلاق دهد، به اندازه هدیه عروسی وی به او نقره خواهد داد و جهیزی را که از خانه پدرش آورده است به وی می‌دهد و سپس او را طلاق خواهد داد» (قانون ۱۳۸ حمورابی).

پیمان زناشویی در دین زرتشت تقریباً ناگسستنی بوده و شکستن این عهد و پیمان به آسانی امکان‌پذیر نبوده است. دین زرتشت در این موارد به مرد اجازه طلاق می‌دهد: ۱- چنانچه ثابت شود زن مرتکب زنا گردیده است ۲- هر گاه زن نافرمان بوده و از رفتار او بیم خطر جانی برای شوهر موجود باشد به نحوی که نتوان با اندرز و جدایی موقت مشکل را رفع کرد. ۳- در مواردی که زن دین زرتشتی را ترک نماید (دانای علمی، ۱۳۷۴: ۱۳۵).

گر چه در دین یهود طلاق به دست مرد و با اختیار اوست، لیکن او صرفاً در موارد زیر می‌تواند زن خود را با اجازه بت دین و تأیید وی طلاق دهد ۱- زنا ۲- وجود عیب مجوز طلاق در زن ۳- محکومیت کیفری زن ۴- عدم تمکین زن ۵- عدم همراهی زن با مرد در مهاجرت به اسرائیل ۶- اهانت شدید زن به شوهر ۷- عقیم بودن زوجه (دانای علمی، ۱۳۷۴: ۱۴۹ و ۱۳۵). بنابراین در هر سه (قانون‌نامه حمورابی، ونیداد و تورات) به استواری پایه‌های خانواده و جلوگیری از پاشیدگی آن تأکید شده و در آنها حق طلاق با مرد است و زن فقط در موارد مشخصی می‌تواند از همسر خود طلاق بگیرد.

۴- در زمینه مهریه قدیمی‌ترین قانونی که تا به حال شناخته شده، قانون حمورابی می‌باشد. در بابل مهریه را به عنوان قیمت دختر به پدر می‌پرداختند و اگر پدر از طبقه روحانی بود به مادر می‌رسید (پاشا صالح، ۱۳۴۸: ۱۱۲). طبق مواد ۱۳۸ و ۱۳۹ قانون حمورابی اگر زن عقیم بود و طلاق داده شد، شوهر مکلف است که مهریه و جهیزیه وی را

تسلیم کند و در صورتی که زن مهریه و جهیزیه نداشته باشد، پرداخت مقدار یک مینا نقره به او ضروری است و هرگاه زن مرتکب ترک خانواده و یا اعمالی از قبیل آن شود به لحاظ جرم ارتكابی، شوهر از تسلیم مهریه و جهیزیه معاف می‌گردد. با نظر به مراتب فوق معلوم میشود که قانون حمورابی با وضع مواد خاصی درباره مهریه آن را از احکام عقد نکاح تلقی کرده است. برای نمونه بر حسب قانون ۱۳۹ حمورابی: «اگر هدیه عروسی وجود ندارد، یک مینا نقره برای طلاق به وی خواهد پرداخت» (بادامچی، ۱۳۹۲: ۱۳۱).

در یکی از متون دعایی پازند ۳ علاوه بر اینکه به ازدواج اشاره‌های مستقیمی شده است به صراحت از مهریه‌ای گزاف سخن می‌گوید. همچنین زن می‌توانسته مهری را که شوهر به او داده یا تعهد به تسلیم آن کرده است به او ببخشد، اما در صورتی که زن مهر را گرفته و بعداً عیبی از قبیل نازا بودن در او ملاحظه می‌شد، حق زن نسبت به مهر ساقط، و شوهر مجاز در استرداد آن بوده است (آبادی، بی‌تا: ۶۳).

مهریه در آیین یهود عندالمطالبه نیست، بلکه در زمانی که نکاح انحلال یابد به زن پرداخت می‌شود. مهر اکنون نیز بین اسرائیلی‌ها از ارکان عقد نکاح به شمار می‌رود و کلیه فرقه‌های یهود، نکاح را بدون آن باطل می‌دانند (لنگرودی، بی‌تا: ۳۳۹).

۵- تحریم رباخواری در تورات منحصر به قوم یهود بوده و رباخواری یهود از دیگران (غیر یهود) رواداشته شده است. در سفر تثنیه (باب ۲۳ بند ۲۰ - ۱۹) آمده است: «برادر خود را به سود قرض مده، نه به سود نقره و نه به سود آذوقه و نه به سود چیزیکه به سود داده شود. غریب را می‌توانی به سود قرض بدهی اما برادر خود را به سود قرض مده». در ونیدداد نیز بهره گرفتن از مرد اشون نارواست. چنانکه در فرگرد سوم بند ۴۱ آمده است که بدست آوردن بالاترین بهره‌ها رواست اما چنین بهره‌گیری از مرد اشون نارواست. اما در قانون حمورابی دادن و گرفتن بهره از هر فردی کاملاً روا و جایز است و از لحاظ حقوقی دادن و گرفتن بهره از مردم سرزمین بابل هیچ‌گونه کیفر و مجازاتی ندارد.

۲.۵. تفاوت‌ها

۱- در قانون حمورابی برای فرد محکوم شده به تازیانه، حکم حتماً باید اجرا شود و راه گریزی نیست، ولی در دین زردشت و یهودیت اگر کسی به خوردن تازیانه محکوم شود، می‌تواند با پرداختن پول به صورت نقدی از خوردن تازیانه معاف شود.

۲- در قانون حمورابی حاکم می‌تواند شخص بدهکار را ولو اینکه آزاد باشد، به فروش برساند. قانون حمورابی روشن می‌سازد که قطعاً در دوران بابلی باستان، بردگان منزلتی ویژه داشته‌اند. این قانون همچنین روایت می‌کند که مردم چنانچه نمی‌توانستند بدهی خود را

بپردازند گاهی خود، همسر، و فرزندان‌شان را به بردگی می‌فروختند و هنگامی که قرضشان بازپرداخت می‌شد بار دیگر منزلت پیشین را به دست می‌آوردند. هنگامی که برده بودند، طبق قانون موقعیتشان تا اندازه‌ای حفظ می‌شد و رابطه آنها با ارباب براساس تعهد متقابل بود (مک کال، ۱۳۷۳: ۴۴). اما در احکام یهودیت و زرتشت هیچ کس حق ندارد خود و خانواده‌اش را در عوض بدهی‌اش به بردگی بفروشد و طلبکار نیز نمی‌تواند بدهکار خود را به بردگی بگیرد.

۳- در دین زرتشت جایز نیست برده به بددینان بفروشند. آن‌که بفروشد و آن‌که او را به عنوان برده بخرد، هر دو نزد قاضی بهدین دزد هستند. به درهمی نیز که برای او (برده) بستانند، دزد هستند و داوران باید آنها را تنبیه کنند. اگر او را بد دین کنند، پس همه گناهی که به سبب بد دینی کند، چنان باشد که آنانی که او را بفروشند و یا آنهاپی که او را بخرند به دست خویش کرده باشند (میرفخرایی، ۱۳۶۷: ۴۲).

۴- در قانون حمورابی قربانی و نذر برای خدای معبد وجود دارد، اما کفاره یا تاوان گناهان افراد نمی‌شود، اما در یهودیت با قربانی کردن، نذر، خواندن دعاهای مخصوص و... می‌توان کفاره گناهان را داد و در وندیداد نیز با انجام کارهای نیک و درستی مانند کشتن خرفستران می‌توان از عذاب گناهان آزاد شد و تاوان آنها را پرداخت.

۵- در قانون حمورابی و شریعت یهود حیوانات نیز قابل مجازات هستند. در موارد متعدد برای گاو یا انسان یا حیوان دیگری را شاخ بزند و بمیرد، مجازات سنگسار تعیین شده است. اما در دین زرتشت چون احترام فوق‌العاده‌ای برای گیاهان و حیوانات قائلند، حتی اگر کسی به حیوانی آزاری برساند فرد مجرم را شدیداً مجازات می‌کنند به طوری که کشتن یک سگ آبی ده هزار تازیانه دارد. در فرگرد ۱۴ بند ۲-۱ آمده است: «کسی که سگ آبی را- سگی که از هزار سگ نرینه و هزار سگ مادینه زاده شده است- چنان بزند که جان از تن وی جدا شود، پادافره گناهش چیست؟ اهوره مزدا پاسخ داد: باید ده هزار تازیانه با اسپهه- اشترا، ده هزار تازیانه یا سروشو- چرن بدو بزنند. او باید اشونانه و پرهیزگاران ده هزار بسته هیزم سخت و خشک و پاک را چون تاوانی به روان سگ آبی، به آتش اهوره مزدا بیاورد» (فرگرد ۱۴ بند ۲-۱).

۶- مجازات تازیانه در کتاب مقدس مانند تعزیر در اسلام، بیش از هر مجازات دیگری جنبه اصلاحی دارد تا کیفری. در کتاب مقدس تورات در مواردی که برای جرمی صراحتاً مجازاتی معین نشده، مجازات تازیانه تجویز شده است. البته فقط یک استثنا وجود دارد و آن در جایی است که تازیانه به همراه جزای نقدی برای مجازات مفتری به یک باکره تجویز شده است (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۲۱۵). در مجازات وندیداد بعضی از تازیانه‌ها بسیار اغراق‌آمیز

است و به نظر می‌رسد اصلاً قابل اجرا و عمل نباشد اما مجازات‌های کیفری تازه‌یانه در قانون‌نامه حمورابی متعادل‌تر است و چنین اغراقی در آنها دیده نمی‌شود و به نظر می‌رسد که قابل اجرا باشند.

۷- در یهودیت و زرتشت بنا به ادعای پیروانشان کیفرهای معین شده نیز از سوی خدا به پیامبرشان ابلاغ شده است، حمورابی نیز مدعی بود لوح قانون نامه‌اش را از شمش خدای بابل دریافت کرده است و در انتهای قانون‌نامه‌اش ادعای خدایی می‌کند، با وجود این مدعی دین جدید و جامعی نیست. البته بنابر یافته‌های باستان‌شناسی، این قوانین و مقررات ابداع خود حمورابی نمی‌باشد: «ماده قانون‌های حمورابی از جانب خورشید خدا (شمش) صادر نشده‌اند. قانونگذاری بشری تقرب جستانی به قانونگذاری الاهی بیش نیست. قانون‌نامه‌های دیرین اقدامی صادقانه به وضع مجموعه قانون‌هایی بر طبق اراده آسمانی بوده است؛ اما شرایط اجتماعی دستخوش تغییر قرار می‌گرفت و به تبع آن نظرات آدمیان درباره اراده آسمانی گسترش می‌یافت. پس طبعاً از قانون مورد نیاز نقل و تفسیر تازه‌ای می‌شد، اما با این خصوصیت که هر گونه تجدید نظر یا تعدیلی بر همان دادگری الاهی که نخستین قانون‌نامه را به وجود آورده بود مبتنی می‌ماند» (یونسکو، ۲۵۳۶: ۲۴۵). شواهد تاریخی و باستان‌شناسی در خصوص اصالت انتساب احکام کیفری یهود و وندیداد به پیامبرانشان تردید دارند.

جدول شباهت‌های قانون‌نامه حمورابی با احکام یهودیت و وندیداد

قانون حمورابی	احکام یهودیت	احکام وندیداد
۱- در قانون حمورابی داوری خواستن از غیب یا (اورادالی) ذکر شده است.	در شریعت یهود داوری ایزدی (اورادالی) یکی از ادله اثبات جرم بود.	در ایران باستان در وندیداد داوری (اورادالی) ذکر شده است.
۲- در قانون حمورابی به جایگاهی برای بعد از مرگ اشاره شده است.	در احکام یهود به بهشت و جهنم اشاره شده است.	در وندیداد به بهشت و جهنم اشاره شده است.
۳- در قانون حمورابی به خانواده اهمیت داده شده و حق طلاق با مرد است.	در احکام یهودیت به خانواده اهمیت داده شده و حق طلاق با مرد است.	در وندیداد به خانواده اهمیت داده شده و حق طلاق با مرد است.
۴- در قانون حمورابی دادگاه‌هایی برای امر قضاوت و دادرسی وجود دارد.	در احکام یهودیت دادگاه‌هایی برای امر قضاوت و دادرسی وجود دارد.	در وندیداد دادگاه‌هایی برای امر قضاوت و دادرسی وجود دارد.
۵- مهریه از شرایط عقد نکاح بوده است.	مهریه از شرایط عقد نکاح بوده است.	مهریه از شرایط عقد نکاح بوده است.
۶- دادن و گرفتن ربا جایز است.	دادن و گرفتن ربا جایز است.	دادن و گرفتن ربا جایز است.

جدول تفاوت‌های کیفری قانون‌نامهٔ حمورابی با احکام یهودیت و وندیداد

قانون حمورابی	احکام یهودیت	وندیداد
۱- حکم فرد محکوم شده با تازیانه باید اجرا شود.	می‌توان با پرداخت پول از تازیانه خوردن معاف شد.	می‌توان با پرداخت پول از تازیانه خوردن معاف شد.
۲- حاکم می‌تواند شخص بدهکار را ولو این‌که آزاد باشد به بردگی بفروشد.	هیچ کس حق ندارد شخصی یا خود و خانواده‌اش را در عوض بدهی‌اش به بردگی بفروشد.	هیچ کس حق ندارد شخصی یا خود و خانواده‌اش را در عوض بدهی‌اش به بردگی بفروشد.
۳- قربانی‌ها و نذرها برای خدای معبد باعث کفارهٔ گناهان نمی‌شد.	با قربانی و نذرها، می‌توان کفارهٔ گناهان را داد.	می‌توان با اعمال نیک از عذاب گناهان آزاد شد و آنها را کفاره کرد.
۴- بردگی و کار کشیدن از برده بیان شده است.	بردگی بیان شده است اما سعی می‌شود بردگی لغو شود.	مسئلهٔ بردگی بیان شده فقط کسی جایز نیست برده را به بد دینان بفروشد.
۵- حیوانات نیز قابل مجازات هستند.	حیوانات نیز قابل مجازات هستند.	حیوانات محترم و قابل مجازات نیستند.
۶- اجرای تازیانه‌های مجازات- حد اکثر تازیانه‌های مجازات ۴۰ بار است.	حد اکثر تازیانه‌های مجازات ۴۰ بار است.	شمار تازیانه‌ها اغراق‌آمیز است.
۷- کیفرها رنگ دینی کمتری دارد.	کیفرها به باور پیروانشان وحیانی است.	کیفرها به باور پیروانشان وحیانی است.

۱۰۶

پژوهشنامه حقوق کیفری / سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

نتیجه‌گیری:

هر قوم و ملتی یک سری قوانین و قاعدهٔ خاصی در زمینه‌های مذهبی، اقتصادی و حقوقی دارد که بنا به شرایط خاصی به اقتضای شرایط زمانی و مکانی و جهان‌بینی حاکم بر آن جامعه قابل تغییر و اصلاح می‌باشد. قوانین حمورابی، احکام یهودیت و وندیداد به فراخور حال افراد جامعه و شرایط اقتصادی و اجتماعی که ایجاد می‌کرده، شکل گرفته، ویژگی‌های زیر را یافته‌اند:

۱- برخی احکام و قوانین وندیداد مانند مجازات قتل سگ آبی بسیار اغراق‌آمیز است و به اجرا درآمدن آنها بسیار بعید به نظر می‌رسد. شاید یکی از علت‌های اغراق‌آمیز بودن و سخت بودن احکام وندیداد سودجویی مغان برای عدم اعمال یا بخشایش گناهان باشد تا هم مغان سودهای کلانی به جیب بزنند و هم از ارتکاب اعمال خلاف احکام و قوانین جلوگیری کند.

۲- محتوای احکام و قوانین وندیداد بیشتر دربارهٔ پاکیزه نگه‌داشتن عناصر طبیعت بوده و کمتر به مسائل نظامی و اداری و ... پرداخته است و این نکته بیانگر این است که احکام و

قوانین وندیداد مربوط به زندگی عشایری و قبیله‌ای است در حالی که قوانین حمورابی و عهد عتیق بیشتر دربردارنده مسائل تجاری، اداری، قضایی، نظامی و ... است که حاکی از زندگی شهرنشینی بین‌النهرین است که زمینه‌ساز قوانین حمورابی و احکام عهد عتیق است و این نکته می‌تواند یکی از علت‌های اصلی اختلاف میان آنها باشد.

۳- برخلاف گمانه نخستین پژوهندگان مبنی بر این که پایتخت ساسانیان میانرودان (تیسفون) بوده و می‌بایست قانون‌نامه رسمی آنان (وندیداد) با مقررات حمورابی هم‌نوایی داشته باشد، ولی میزان مشابهت احکام یهودیت (با خاستگاه جغرافیایی فلسطین)، با قانون نامه حمورابی به مراتب بیشتر از شباهت قانون حمورابی با احکام وندیداد میباشد که اصلی‌ترین دلیل این تشابه را باید در زمان تبعید یهودیان به سرزمین بابل یعنی زمان اسارت بابلی و ارتباط تنگاتنگ آنها با یکدیگر دانست. مضافاً اینکه خاستگاه جغرافیایی مشایخ قوم یهود از منطقه بین‌النهرین است، لذا مهاجرت آنان به بین‌النهرین در دوره اسارت بابلی زمینه‌ساز این تشابه و تأثیر بوده است، و می‌توان احکام و قوانین تورات را عمدتاً برگرفته از قوانین حمورابی و تکمیل شده و اصلاح شده این قانون‌نامه دانست. همچنین اختلاف بنیادی قانون وندیداد با حمورابی نشان دهنده این است که خاستگاه قوانین وندیداد منطقه‌ای غیر از ایران کنونی و سرزمین پارس است، بلکه ریشه‌های تاریخی آن را به آسیای میانه می‌توان نسبت داد.

منابع و مأخذ:

۱. آبادی، علی (بی‌تا)، *تقریرات تاریخ حقوق*، بی‌جا.
۲. آذرگشسب، اردشیر (۱۳۷۱)، *خرده اوستا*، بی‌جا.
۳. افراسیابی، صابر (۱۳۸۱)، «مطالعه تطبیقی مجازات‌ها در ادیان یهود، زرتشت و اسلام»، *پایان‌نامه دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی*.
۴. انصاری، معصومه و فاطمه لاجوردی (۱۳۹۱)، «دین یهود و مسائل زیست محیطی»، *دو فصلنامه پژوهشنامه ادیان*، شماره ۱۱، صص ۴۶-۲۹.
۵. اوستا کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی (۱۳۷۴)، *گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه*، تهران: مروارید.
۶. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱)، *دانشنامه مزدیسنا*، تهران: مرکز.
۷. استفانی، گاستون و دیگران (۱۳۷۷)، *آیین دادرسی کیفری (جلد اول)*، ترجمه حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

۸. آنترن، آلن (۱۳۸۵)، **باورها و آیین‌های یهود**، ترجمه رضا فرزین، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۹. بادامچی، حسین (۱۳۸۲)، **آغاز قانونگذاری تاریخ حقوق بین‌النهرین باستان**، تهران: طرح نو.
۱۰. بادامچی، حسین (۱۳۹۲)، **قانون حمورابی**، تهران: نگاه معاصر.
۱۱. بولک، برنار (۱۳۸۵)، **کیفرشناسی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هشتم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۲. بویس، مری (۱۳۸۸)، **جستاری در فلسفه زرتشت**، ترجمه سعید زارع و دیگران، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۳. بهمنش، احمد (بی‌تا)، **تاریخ ملل قدیم آسیای غربی**، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. پورداوود، ابراهیم (۲۵۳۷ شاهنشاهی)، **ویسپرد**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. _____ (۱۳۸۸)، **زرتشت و دین او در زندگی و اندیشه زرتشت**، گردآوری علی دهباشی، تهران: افکار.
۱۶. پاشا صالح، علی (۱۳۴۸)، **سرگذشت قانون: مباحثی از تاریخ حقوق دورنمائی از روزگاران پیشین تا امروز**، تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (بی‌تا)، **تاریخ حقوق ایران از انقراض ساسانیان تا آغاز مشروطه**، تهران: کانون معرفت.
۱۸. حسینی (آصف)، حسن (۱۳۸۴)، «درجات گناه، تاوان و پتت در دین زردشتی»، **فصلنامه هفت آسمان**، شماره ۲۸، صص ۲۲۱-۱۸۷.
۱۹. خداکرمی، نبی (بی‌تا)، «بحثی پیرامون عنصر روانی جرم قتل در ادیان الهی و ایران باستان»، **مجله دیدگاه‌های حقوقی**، شماره ۸، صفحات ۱۹۷-۲۳۲.
۲۰. خنجری، خداداد (۱۳۷۵)، **بینش زرتشت**، تهران: انتشارات تهران.
۲۱. دانای علمی، منیژه (۱۳۷۴)، **موجبات طلاق در حقوق ایران و اقلیت‌های مذهبی**، تهران: انتشارات اطلس.
۲۲. دان، ناردو (۱۳۸۵)، **بین‌النهرین باستان**، ترجمه سهیل سمی، تهران: ققنوس.
۲۳. رو، ژرژ (۱۳۸۱)، **سرگذشت عراق باستان**، ترجمه عبدالرضا (هوشنگ) مهدوی، تهران: پیکان.
۲۴. رضی، هاشم (۱۳۵۲)، **راهنمای دین زرتشتی**، تهران: فروهر.
۲۵. زنه، آر. سی (۱۳۷۵)، **طلوع و غروب زردشتی‌گری**، ترجمه تیمور قادری، تهران: فکر روز.

۲۶. سلیمانی، حسین (۱۳۸۰)، «مجازات‌ها در حقوق کیفری یهود»، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۹ و ۱۰، صفحات ۲۳۹-۲۰۳.
۲۷. _____ (۱۳۸۴)، **عدالت کیفری در آیین یهود**، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۲۸. شاه حسینی، رضا (۱۳۹۰)، **مستثنیات دین**، تهران: انتشارات جنگل.
۲۹. صفاری، علی (۱۳۸۶)، **کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر)**، تهران: جنگل.
۳۰. کهن، آبراهام (۱۳۸۲)، **گنجینه‌ای از تلمود**، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران: اساطیر.
۳۱. کیخسروی مقدم، باقر (۱۳۵۶)، «تحقیقی در قوانین حمورابی از نقطه نظر جزائی»، پایان نامه دانشگاه تهران.
۳۲. کتاب مقدس (ترجمه قدیم) شامل کتب عهد عتیق و عهد جدید (۲۰۰۲)، انگلستان: ایلام، چاپ سوم.
۳۳. کنسکی، تیکووافریم (۱۳۷۸)، «**اورادالی قضایی**» در نجفی و بادامچی (مترجمان)، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، تهران: سمت.
۳۴. میک، تفوفیل (۱۳۷۳)، **قانون نامه حمورابی**، ترجمه کامیار عبدی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۳۵. مک کال، هنریتا (۱۳۷۳)، **اسطوره‌های بین‌النهرینی**، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
۳۶. مبلغی آبادانی، عبدالله (۱۳۷۳)، **تاریخ ادیان و مذاهب جهان**، جلد اول، تهران: انتشارات منطق.
۳۷. مزدپور، کنایون (۱۳۸۲)، **زرتشتیان**، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳۸. میر فخرایی، مهشید (۱۳۶۷)، **روایت‌های پهلوی**، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۹. معین، محمد (۱۳۸۸)، «**زندگی زرتشت**»، در **زندگی و اندیشه زرتشت گردآوری علی دهباشی**، تهران: افکار.
۴۰. ویر، رابرت (۱۳۷۴)، **جهان مذهبی: ادیان در جوامع امروز**، جلد دوم، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۱. ویل دورانت، آریل (۱۳۷۰)، **تاریخ تمدن، مشرق زمین: گاهواره تمدن**، جلد اول، ترجمه احمد آرام و ع پاشایی، چاپ سوم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۴۲. یونسکو-گروهی از دانشمندان جهان به سرپرستی یونسکو- (۲۵۳۶)، **تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر**، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.